

بسم الله الرحمن الرحيم

جلسه سیزدهم ۱۳۹۷/۰۷/۲۱

موضوع: ضرورت توانمند سازی علمی در مسیر پاسخگوئی به شبهات(۱۰) - «احمد الحسن» یک خطر کاملاً جدی!

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقرية الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله.

من قبل از شروع بحث گزارش یکی دو دقیقه از همایشی که داشتیم تقدیم حضور شما می‌کنیم. ما حدود ۵۰ الی ۶۰ نفر که در سطح کشور در پاسخگوئی به شبهات «أحمد الحسن» یا «أحمد بصری» و «أحمد دجال» فعالیت می‌کردند را جمع کردیم و دیدیم که آنها وحدت رویه ندارند یا در پاسخ‌ها هرکدام به یک نوع پاسخ می‌دهند و سروسامان ندارند.

گاهی اوقات اگر تشویقی در کار نباشد شاید خسته شوند. ما آنها را جمع کردیم و دو روز خدمتشان بودیم. پنجشنبه حاج آقای اعرافی آمدند و نزدیک به یک ساعت هم ایشان صحبت کردند و این حضور و صحبت ایشان قوت قلبی برای این دوستان بود.

قرار شد فضای مجازی اعم از اینترنت، تلگرام، گروه یا کانال که دوستان در آن کار می‌کنند تقریباً یکنواخت کنند. هرکدام از دوستان برای خودشان کارهایی دارند، اما قرار شد همه در یک جا جمع شوند و حرف‌ها یکی شود و شبهات جدیدی که در این زمینه مطرح می‌شود، همه جمع شود.

ما تلاش کردیم حدود هفت، هشت نفر از اساتیدی که چند سال است که در این زمینه کار می‌کنند را جمع کردیم. آقایان «شهبازیان»، «هوشیار»، «حجازی»، «سیستانی» و دیگر اساتید را جمع کردیم و هفته‌ای یک جلسه با این دوستان برنامه داریم. البته خود این اساتید هم کارهای علمی انجام می‌دهند ولی ما گفتیم که وحدت رویه‌ای داشته باشند و در پاسخ‌ها دقت بیشتری داشته باشند.

«احمد الحسن» یک خطر کاملاً جدی!

ما احساس می‌کنیم قضیه «احمد بصری» یک خطر جدی است؛ گرچه تا این افراد چند ترور و انفجار انجام ندهند و قضیه به امنیت ملی مبدل نشود، بعضی از آقایان و بزرگواران نمی‌خواهند اقدام کنند. سیاست ما در این چهل سال این بوده است و تلاش کردیم به قدری دست روی دست بگذاریم و دشمن را کوچک بشماریم تا جایی که دشمن بزرگ شود بعد با او مبارزه کنیم!

الآن ایام اربعین هم هست؛ دو سال پیش که ما در عراق بودیم و با بعضی از دوستان و مسئولین امنیتی عراق جلسه داشتیم، می‌گفتند که آنها در میان نجف تا کربلا ۶۰ موکب دارند و در آنجا مشغول تبلیغ هستند!!

دوستان ما سال گذشته از مشهد و اهواز در کنار موکب ۵۱۹ که تقریباً مفصل‌ترین موکب «احمد بصری‌ها» است موکب داشتند. آنها نقل می‌کردند که این افراد جوانان ایرانی را به حرف می‌گیرند و افکارشان را متزلزل می‌کنند و به آنها بروشور، سی‌دی و کتاب می‌دهند.

طبق آماری که از استان خراسان و تربت حیدریه داشتیم، هفتصد نفری که طرفدار «احمد بصری» هستند، عمدتاً از همان پیاده روی اربعین سال گذشته متأثر شدند و طرفدار او شدند. دوستان ما می‌گفتند که ما سال گذشته در کنار موکب اصلی این افراد بودیم و می‌دیدیم که آنها جوانان ایرانی را می‌بردند و برای آنها تبلیغ می‌کردند.

ما صبر می‌کردیم وقتی که این جوانان بیرون می‌آمدند با آنها تماس می‌گرفتیم و شماره همراهشان را می‌گرفتیم و برایشان مطالبی در رد تفکرات «احمد الحسن» و کفریات او می‌فرستادیم. می‌گفتند ما سی هزار نفر را شناسایی کردیم که تحت تأثیر این افراد قرار گرفته بودیم و ما برای آنها مطالبی در ضد «احمد الحسن» فرستادیم.

علی‌ای حال این افراد در حال حاضر به عنوان یک خطر جدی محسوب می‌شوند. خطیب آنها در نماز جمعه‌ای که در جعفریه قم داشتند که البته بساطشان را برچیدند، به مردم می‌گفت: "شما باید وسایل زندگی خود را بفروشید، اسلحه تهیه کنید و منتظر دستور امام «احمد الحسن» باشید. ما باید علما و طلاب را از نجف، پانصد نفر پانصد نفر بکشیم تا به قم برسد، زیرا این افراد مانع ظهور حضرت مهدی هستند. مادامی که مراجع تقلید و حوزه‌های علمیه وجود دارد امام زمان نخواهد آمد."

حال دیگر تمام مشکلات حل شده است و تنها مانده است حوزه‌های علمیه را از بین ببرند تا امام زمان تشریف بیاورند! این هم تفکرات این آقایان است. ان شاءالله بعضی از عزیزانی که آمادگی دارند در این زمینه کار کنند، ما بعضی از کانال‌ها را خدمت آقایان معرفی می‌کنیم تا ورود پیدا کنند و مقداری اطلاعات بیشتری بگیرند و اگر خواستند در این زمینه فعالیت داشته باشند.

تفکرات خطرناک «احمد الحسن»!

تفکرات این شخص این است که می‌گوید من فرزند حضرت مهدی هستم، پدرم به من دستور داده زمینه ظهور را برای او فراهم کنم و موانع را برطرف کنم.

او فضائل و مناقبی برای خود بیان می‌کند و ادعا می‌کند که من سنگی در دست حضرت ابراهیم بودم، انداختم آتش خاموش شد، سنگی در دست حضرت نوح بودم، انداختم کشتی با آن نجات پیدا کرد، سنگی در دست حضرت علی بودم که در جنگ صفین باعث پیروزی شدم.

او ادعا می‌کند امام حسین (علیه السلام) دچار شرک خفی بود، اما من آن شرک خفی را ندارم. او نسبت به امیرالمؤمنین یک سری ادعاها و کفریاتی دارد. همچنین ادعا می‌کند که حضرت یونس در شکم ماهی مُرد و بعد رفت با قارون در جهنم همنشین شد.

نسبت به این مزخرفات او، از مراجع عظام تقلید استفتاء کردند و بعضی از مراجع رسماً اعلام کردند که ایشان از دایره اسلام خارج است!

جالب است بدانید که طرفداران «احمد الحسن»، در مورد عقاید او، تا الآن نزدیک به پانصد عنوان کتاب به زبان فارسی و عربی نوشتند.

ایشان سابقاً با «حیدر مشتت» در زندان بود و آمریکاییها و اسرائیلیها در همان زندان روی او کار کردند. بعد از اینکه آنها از زندان بیرون آمدند، «حیدر مشتت» به ایران آمد تا مقام معظم رهبری و مراجع عظام تقلید را با او همراه کنند. آنها نامه‌ای به مراجع نوشته بودند و اسم ما را هم در آن نامه ذکر کرده بودند. متن نامه چنین است:

"رسالة إلى السيد القائد و عدد من العلماء. أما بعد إلى السيد علي خامنه‌ای، إلى السيد القزوينی، عبدالحمید مهاجر، شیخ علی کورانی، مقتدا محمود و..."

این شخص تمام افراد در این نامه را برای پیوستن به ایشان دعوت کرده بودند تا اگر سؤال و مناظره‌ای دارند ایشان آماده شود.

در آن زمان دوستان از ما خواستند که ورود پیدا کنیم، اما بنده صلاح ندیدم. بنده گفتم که من همیشه شعار دادم در طول این هزار و چهارصد سال به:

« الباطلُ يموت بترکِ ذِکرِهِ »

مهدی موعود، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، مترجم: دوانی، علی، مقدمة، ص ۱۷۲

عمل شده است، اما بعد مشاهده کردیم که این قضیه مقداری عریض و طویل‌تر از این مقدار است.

بنده یک روز تمام ادعاهایی که این شخص دارد به همراه کتاب‌های او را خدمت عزیزان توضیح می‌دهم و فایل آن را هم خدمت عزیزان می‌دهم تا داشته باشید و ببینید که این افراد چه ادعاهایی دارند.

این آقایان در سال ۲۰۰۸ برای کشتن آیت الله العظمی سیستانی و دیگر مراجع به نجف حمله کردند. ارتش عراق وارد شد و آنها را تارومار کرد.

طبق آماری که پلیس عراق داد ایشان به همراه چند تن از معاونین خود در آن قضیه کشته شده است و بعد از آن هم دیگر هیچ خبری از ایشان نیست. طرفداران او معتقدند که ایشان به بحرین پناهنده شده و در آنجا زندگی می‌کند.

اخیرا بعضی از افراد از عربستان سعودی خیلی اصرار داشتند که ما می‌خواهیم «أحمد الحسن» را ببینیم. آنها را به بحرین فرستادند و در آنجا سه ماه با فردی دیدار داشتند که می‌گفتند او «أحمد الحسن» است، اما او مدعی نشده که من «أحمد الحسن» هستم.

آنها از آنجا به قم آمدند و گفتند که اگر ما بتوانیم «سید کمال حیدری» را صید کنیم موفقیت و پیروزی خوبی پیدا کردیم. اگر این شخص به طرف ما بیاید جمعیت زیادی به طرف ما خواهند آمد!

البته متأسفانه اینها تا حدودی در این زمینه موفق بودند و آقای «جوکار» که در حوزه علمیه قم درس خارج تدریس می‌کند، و معتقد است که من از طرف بعضی مراجع گواهی اجتهاد دارم، یکی از لیدرهایی است که طرفداران «احمد الحسن» او را صید کردند. و یا «فتحیه» یکی از شاگردان برجسته آیت الله العظمی جوادی آملی صید دیگر ایشان است. در حال حاضر در قم دویست، سیصد نفر از طلاب جذب این افراد شدند که شاید از این میان ده دوازده تن از آنان، طلاب فاضل هستند و چنین نیست که بی‌سواد باشند.

ما کاری به «جوکار» نداریم، اما کتاب‌ها و تألیفاتی که ایشان نوشته موجود است. به ظاهر معلوم است که «جوکار»، «فتحیه» و افراد دیگر چندین سال در حوزه علمیه کار کردند و چنین نیست که بی‌سواد باشند.

ظاهراً برای بعضی افراد روشن نیست که پشت صحنه چه خبر است، اما بنده شخصا با توجه به قرائن و شواهد معتقدم که پشت قضیه، اولاً و بالذات و مستقیماً، سازمان منافقین قرار دارد که آنها را پشتیبانی می‌کنند و پول هم در اختیار این افراد قرار می‌دهند. این افراد مستقیماً با آمریکا و اسرائیل ارتباط ندارند، اما واسطه آنها همین سازمان منافقین است همانند زن «مسعود رجبی» که عروس آل سعود است.

لذا این افراد، خطری هستند که دارند مردم را دعوت می‌کنند و از احساسات پاک مردم سوءاستفاده می‌کنند که در بعضی از استان‌ها همانند استان خراسان، خوزستان یا شیراز خیلی جلو رفتند. آنها در استان سمنان، اساتید و شاگردان زیادی را جذب کردند به طوری که بعضی از حوزه‌ها را تعطیل کردند!!

مقصر اصلی در ترویج تفکرات «احمد الحسن»

به نظرم، مشکل از جانب ماست؛ بنده دیشب هم در برنامه‌ای که در مسجد حضرت زینب داریم و عمدتاً بحث‌های «احمد بصری» را مطرح می‌کنیم، گفتم: در این زمینه دو مشکل از جانب ماست. مشکل اول اینکه ما در معرفی فرهنگ مهدویت موفق نبودیم.

روایاتی که ائمه اطهار (علیهم السلام) در حوزه مهدویت بیان کردند و هزار و چهارصد سال قبل، تمام این انحرافات را فرمودند را، ما در اختیار مردم قرار ندادیم. اگر ما این روایات را در اختیار مردم قرار بدهیم و مردم آگاه باشند جذب این افراد نمی‌شوند.

ما در طول این صد سال اخیر بیش از پنجاه نفر داریم که یا مدعی مهدویت بودند و یا مدعی بابیت بودند!! «أحمد بصری» اولین نفر نیست و آخرین نفر هم نخواهد بود. بنابراین وظیفه ما این است که فرهنگ مهدویت را برای مردم خوب تبیین کنیم.

نکته دوم اینکه جوانان و حتی طلاب ما در اثر ناآگاهی به فرهنگ مهدویت، جذب این افراد شدند. هم ما وظیفه خود را خوب انجام ندادیم و مشکل از طرف ماست و هم ناآگاهی‌های مردم و طلبه‌ها، دست به دست هم می‌دهد و این مشکل را به وجود می‌آورد.

این افراد رسماً اعلام کردند که اگر آمار ما به ده هزار نفر برسد قیام مسلحانه خواهیم کرد. آقایان اگر کلیپ آتش زدن کنسولگری ایران در بصره را ندیدند حتماً ببینند. این افراد در جریان آتش زدن کنسولگری، با پرچم «البيعة لله» هستند و در آنجا چرندیاتی به جمهوری اسلامی می‌گویند و مشغول آتش زدن قسمت‌های مختلف کنسولگری ایران هستند.

این افراد اولاً و بالذات حکومت جمهوری اسلامی را باطل می‌دانند و مبارزه با آن را در اولویت خودشان می‌دانند!!

اگر دوستان روزنامه «قدس» چاپ مشهد به تاریخ یازدهم مهر را بگیرند، خواهند دید که یکی از طلبه‌ها به نام «حسینی راد» تمام سخنرانی‌های بنده را در همین زمینه «احمد الحسن»، خیلی زیبا خلاصه کرده و در مقاله‌ای درآورده است. اگر دوستان بتوانند همان مقاله را مطالعه کنند، کار مفیدی است.

بنده واقعا از این مقاله لذت بردم به طوری که اگر خودم می‌خواستم این بحث‌ها را خلاصه کنم نمی‌توانستم با این کیفیت این کار را انجام دهم. و ایشان تمام این مطالب را از قول بنده نقل کرده و بسیار عالی دسته بندی کرده است. دوستان «روزنامه قدس» به تاریخ یازدهم مهرماه ۱۳۹۷ را ببینند.

بنده این مقاله را در کانال فقه مقارن می‌گذارم تا دوستان از آنجا برداند. این مقاله هم به صورت تایپ شده روی سایت «روزنامه قدس» وجود دارد و عکس روزنامه را هم دوستان برای من فرستاده بودند.

در هر صورت...

ما در جلسات گذشته عرض کردیم که برای توانمند سازی علمی خودمان در راستای پاسخگویی به شبهات و برای استدلال به حقانیت مذهب شیعه یا برای بطلان فرقه وهابیت، اولین چیزی که نیاز داریم این است که باید تفاسیر معتبر آنها را بشناسیم.

زمانی که استدلال می‌کنیم، به تفاسیری استدلال کنیم که آنها نگویند ما این را قبول نداریم. ما در اینجا پنج کتاب تفسیر را به آقایان معرفی کردیم. «تفسیر طبری»، «تفسیر ابن ابی حاتم»، «تفسیر بغوی»، «تفسیر محرر»، «تفسیر ابن کثیر» و «تفسیر قرطبی». ما این شش کتاب تفسیری را معرفی کردیم.

در اینجا تفاسیر دیگری هم وجود دارد که این تفاسیر در رتبه دوم و سوم قرار دارد. اما ما بعضاً ناگزیر هستیم که اگر مطالبی در آن تفاسیر شش‌گانه‌ای که معرفی کردیم نبود از این تفاسیر استفاده نکنیم.

«تفسیر الکشاف» اثر «زمخشری» است که تقریباً تفسیر مقبولی برای آنهاست. «تفسیر فخر رازی» است و «تفسیر ابن جوزی» پدر است. «تفسیر زاد المسیر» است که تفسیر خوبی است، اما مقداری رد گم کن است. مؤلف این تفسیر، زمانی که آیه را می‌آورد، می‌نویسد که در این آیه پنج قول یا شش قول یا هفت قول وجود دارد و حقیقت را در میان موهومات گم می‌کند.

«تفسیر سمرقندی» است، «تفسیر بیضاوی» است که تفسیر بسیار خوبی است که نویسنده روی آن خوب کار کرده است، «تفسیر ثعلبی» است که او را تا حدودی قبول دارند، «تفسیر ثعالبی» است که معمولاً وهابیت او را قبول ندارند. «تفسیر ثعالبی» همانند «تفسیر منهج الصادقین» ماست که حرف‌های غیر اصولی که اهل سنت آن را قبول ندارند زیاد دارد.

«تفسیر الدر المنثور» اثر «سیوطی» است که خوب کار کرده است. یکی از امتیازات «تفسیر در المنثور» این است که هر روایتی که ضعیف است، ضعف آن را مشخص کرده است. به عنوان مثال در این کتاب آورده است «روی ابن مردویه بسند ضعیف». و در جایی که نتوانست صحیح بودن یا ضعیف بودن روایت را تشخیص دهد، به آنها برچسب ضعیف نزده است.

تفسیر بعد «تفسیر نسفی» است. «تفسیر بحر المحيط» است که تفسیر بسیار خوبی است و ما خودمان در مباحث ولایی از این تفسیر زیاد استفاده می‌کنیم. تفسیر دیگر «تفسیر ابو السعود» است.

تفسیر دیگر، «تفسیر روح المعانی» است که علی رغم اینکه، آلوسی صوفی مسلک و سلفی العقیده است، ولی تفسیر خوبی نوشته است. کسانی که عرق صوفی‌گری دارند نسبت به امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) بسیار اظهار ارادت می‌کنند و خوب به میدان آمدند. مشاهده کنید در رابطه با آیه شریفه:

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ

ای پیامبر آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده است کاملاً (به مردم) برسان و اگر نکنی، رسالت او را انجام نداده‌ای.

سوره مائده (۵): آیه ۶۷

در جلد ششم تفسیر روح المعانی، صفحه ۱۹۳ با کمال صراحت و اقتدار می‌گوید:

« کنا نقرأ علی عهد رسول الله (صلی الله علیه و سلم) یاأیها الرسول بلغ ماأنزل الیک من ربک إن علیا ولی المؤمنین وإن لم تفعل فما بلغت رسالته »

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبی الفضل شهاب الدین السید محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۶، ص ۱۹۳، باب المائدة : (۶۷) یا
أیها الرسول

او مردانه این روایت را مطرح می‌کند. او همچنین در رابطه با آیه:

(إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يقيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ)

سرپرست و رهبر شما تنها خدا است، و پیامبر او، و آن‌ها که ایمان آورده‌اند و نماز را بر پا می‌دارند و در حال رکوع زکات می‌پردازند.

سوره مائده (۵): آیه ۵۵

تقریباً تنها عالم سنی است که ادعای اجماع کرده است. به عنوان مثال او در جلد ششم صفحه ۱۶۷ می‌گوید:

«غالب الأخباریین علی أنها نزلت فی علی کرم الله تعالی وجهه»

او همچنین در جلد ششم صفحه ۱۸۶ می‌گوید:

«والآیة عند معظم المحدثین نزلت فی علی کرم الله تعالی وجهه»

روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، اسم المؤلف: العلامة أبی الفضل شهاب الدین السید محمود الألوسی البغدادی، دار النشر: دار إحياء التراث العربی - بیروت، ج ۶، ص ۱۸۶، باب المائدة: (۶۶) ولو أنهم أقاموا . . .

و یا در رابطه با انسان کامل، آنچه که ما معتقدیم نسبت به وجود مقدس حضرت ولی عصر که ایشان واسطه فیض مطلق بین خالق و مخلوق است؛ ایشان عین همین عقیده را تحت عنوان انسان کامل می‌آورد با این تفاوت که نمی‌تواند بگوید امروز حضرت ولی عصر انسان کامل است. او می‌گوید ضرورت دارد در هر عصر انسان کاملی باشد که واسطه بین خداوند عالم و جهان مخلوق باشد.

تفسیر بعد «تفسیر شوکانی» است. «شوکانی» از نظر فقهی، زیدی مذهب است، اما از نظر اعتقادی سلفی المذهب است. امروزه در عربستان سعودی غالب کتاب‌های او را چاپ کردند.

تفسیر دیگر «تفسیر ماوردی» است. او اشعری مذهب است و از علمای کلامی اهل سنت است. مردم «ماوردی» را بیشتر با مباحث کلامی او می‌شناسند.

تفسیر بعد «تفسیر اضاء البیان» است که جدیداً نوشته شده توسط «شنقیطی». او یکی از وهابیون سرشناس است و ما هم بسیاری از موارد به کتاب او استدلال می‌کنیم. مثلاً او در رابطه با آیه شریفه:

(إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً)

من در روی زمین جانشین و حاکمی قرار خواهم داد.

سوره بقره (۲): آیه ۳۰

مطالب خیلی زیبایی دارد. او می‌نویسد که این دو آیه نشانگر این است که انتخاب خلیفه به دست خداوند عالم است، نه به دست مخلوقات. همچنین می‌نویسد که این آیه ضرورت انتخاب خلیفه را در میان مردم تثبیت می‌کند. «تفسیر رشید رضا» تفسیر دیگری است. مشخص است که «رشید رضا» شاگرد «محمد عبده» و هم‌پاله او بوده است و اینها هم تربیت شده «محمد بن عبدالوهاب» هستند.

این شانزده تفسیری که ما آوردیم از تفاسیری است که به ما کمک می‌کند، همانطور که کفش کهنه در بیابان نعمت است! اگر ما در تفاسیر شش‌گانه‌ای که عرض کردیم و نزد اهل سنت معتبر است مطلبی نیافتیم، چه برای استدلال به حقانیت شیعه و چه برای استدلال بر بطلان عقاید دیگران، معمولاً به این تفاسیر استناد می‌کنیم.

البته تمامی این تفاسیر در برنامه «مکتبه اهل بیت» موجود است. می‌توانید به آنجا مراجعه کنید و یا به برنامه «الجامع الکبیر» مراجعه کنید. این دو برنامه تقریباً مکمل همدیگر هستند. ولی برنامه «جامع التفاسیر» که خیلی از شما دوستان دارید، این کتب را ندارد. برنامه «جامع التفاسیر» عمدتاً تفاسیر شیعه را دارد.

بنده به طور کلی با کارهایی که آقایان در مؤسسه نرم افزاری نور کردند مخالف هستم و چندین بار هم به آنها اعتراض کردم. اولاً این افراد این همه برنامه نوشتند، اما تا به حال برنامه‌هایشان یک صدم امکانات «مکتبه اهل بیت» را ندارد. وقتی انسان با برنامه «مکتبه اهل بیت» کار می‌کند، واقعا لذت می‌برد.

علاوه بر این آقایان این برنامه‌ها را جزیره جزیره درست کردند. برای تفسیر یک نرم افزا درست کردند و یک رمز گذاشتند، برای حدیث یک رمز گذاشتند. برای پنجاه، شصت مورد هر کدام یک رمز گذاشتند.

بنده به آنها گفتم: اگر شما این برنامه‌ها را برای کارخانه‌داران نوشتید خیلی خوب است، اما استفاده کنندگان این برنامه طلبه‌ها هستند. شما بردارید این موضوعات را در یک جا جمع کنید. این کار شما چه معنایی دارد؟! شما سالی دویست میلیارد تومان از بودجه دولتی استفاده می‌کنید. اینکه شما این برنامه‌ها را پولی کنید به طوری که هر برنامه را فقط سه نفر بتوانند استفاده کنند درست نیست.

این برنامه اشکالات زیاد دارد. بنده حدود بیست سال قبل همان زمان که آیت الله هاشمی شاهرودی عضو هیئت امنای این گروه بود و نیز آقای سید طه هاشمی بودند، به این افراد اعتراض کردم، اما از ما گفتن و از این افراد نشنیدن بود. بنده به طور کلی شاید ماهی یک مرتبه هم از این برنامه استفاده نمی‌کنم، الا اینکه یک روایتی می‌خواهم نشان بدهم که اعراب داشته باشد. بنده به خاطر اینکه متون در این برنامه اعراب‌دار است، آن عبارت را کپی می‌کنم و در مکان مورد نظر خودم قرار می‌دهم.

بنده تقریباً هر روز متوسط ده یا دوازده ساعت از کامپیوتر استفاده می‌کنم، نود درصد استفاده بنده از «مکتبه اهل بیت» است و ده درصد از «مکتبه جامع الکبیر» است و تنها هفته‌ای یک یا دوبار که اعراب روایتی را می‌خواهم نشان بدهم از «نور» استفاده می‌کنم. تنها موردی که من از این کتاب استفاده می‌کنم این است و این هم تنها به خاطر اعراب آن است. البته بازهم از آنها تشکر می‌کنیم که به ازای بودجه‌های چند صد میلیاردی که می‌گیرند در این برنامه اعراب گذاشتند و موفق بودند.

شما نگاه کنید در این نرم افزار جامع الکبیر و مکتبه اهل بیت، اگر انسان بخواهد از برنامه بیرون برود تمام این برنامه‌ها با فشردن دکمه alt+f4 بیرون می‌رود، اما بنده در این نرم افزار نور، هرچه می‌زنم alt+f4 بیرون نمی‌رود و حتماً باید از کلمه «خروج» استفاده کنم. حداقل این برنامه‌ها را یکنواخت کنند و ورود و خروج و جستجو را یکنواخت کنند.

خداوند روح آیت الله العظمی گلپایگانی را شاد است، شادتر کند، زیرا «مکتبه اهل بیت» در حقیقت خدمت بزرگی به جهان تشیع و اسلام بود. در جستجو کردن در نرم افزارها، اهل سنت هم نرم افزاری همانند «مکتبه اهل بیت» ننوشته

است که این قدر جستجوی بالا و قوی داشته باشد. شما حساب کنید چهارصد هزار جلد کتاب با این سرعت مورد جستجو قرار می‌گیرد.

سؤال:

آیا در این نرم افزارها تحریف هم صورت گرفته است؟

پاسخ:

ما موارد زیادی پیدا کردیم که در آنجا مطاعن خلفا ذکر شده بود که اینها برداشتند یک دفعه بیست صفحه، سی صفحه را حذف کردند. ولی اگر کسی بخواهد در این زمینه کار کند بنده توصیه می‌کنم شما هرکاری می‌خواهید بکنید از نرم افزار «مکتبه اهل بیت» بگیرید، بعد اگر می‌خواهید با نرم افزارها و کتب دیگر مقایسه کنید بسیار راحت می‌توان آن را مقایسه کرد.

البته دقت کنید که این موارد تحریف خیلی کم است و در این حد نیست. شما حساب کنید اگر هزار مورد روایت در فضیلت اهل بیت یا مطاعن خلفا داریم، از میان هزار مورد این افراد پنج مورد را تحریف کردند. یعنی تعداد آن پنج به هزار است.

ما در این زمینه سال ۱۳۵۰ که شاید خیلی از بزرگواران آن زمان آفتاب ندیده بودند، به دستور آیت الله العظمی مرعشی نجفی در کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی طبقه بالا قسمت مخطوطات، لجنه‌ای داشتیم که دوازده نفر بودیم و بنده مسئول لجنه بودم.

کار لجنه ما پیدا کردن تحریفات کتب اهل سنت بود. ما ده چاپ از کتاب «صحيح بخاری» را به دوستان داده بودیم و آنها همانند قرائت قرآن یکی قرائت می‌کرد به طوری که اگر یک واو یا الف کم و زیاد بود آنها را یادداشت می‌کردیم.

شاید در حوزه علمیه نتوانید کسی را پیدا کنید که به اندازه بنده در این زمینه ورود پیدا کرده باشد. بعد از گذشت پنج، شش سال مشاهده کردیم این تحریفات در حدی نیست که انسان بخواهد برای آن وقت بگذارد.

شما حساب کنید از میان هزار مورد پنج مورد یا ده مورد، تحریف پیدا کردن، وقت گذاشتن برای این امر اتلاف وقت است و به همین خاطر ما کلا پرونده این قضیه را بستیم.

در این زمینه، بزرگانی همانند آیت الله امینی بعضی از موارد را آورده است، «مرحوم کاشف الغطاء» بعضی از موارد را آورده است، «مرحوم شرف الدین» بعضی از موارد را آورده است. بزرگان دیگر هرکسی با آن برخورد کرده است مواردی را آورده است.

همین آقای «روستائی» خودمان، حدود سیزده یا چهارده جلسه یک ساعته در رابطه با تحریفات کتب اهل سنت در «شبکه جهانی ولایت» بحث کرده است.

شاید بتوانم بگویم در طول این سالها، هیچکسی به اندازه آقای «روستائی» این مطالب را درنیاورده است. صحبت‌های ایشان هم در «شبکه جهانی ولایت» و هم در سایت «مؤسسه حضرت ولی عصر» موجود است.

اگر لازم شد ما می‌گوییم که دوستان فایل وردی آن را در تلگرام فقه مقارن بگذارند تا دوستان از آن استفاده کنند.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته